

فرهنگ نقد و گفت‌وگوی صاحب‌نظران علوم انسانی ایران در مطبوعات تحلیل نقدها و گفت‌وگوهای انتقادی منتشره در مطبوعات تخصصی علوم انسانی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱

علی انتظاری*
عاطفه آقایی**

چکیده

هدف از این پژوهش بیان ویژگی‌های فرهنگ نقد و گفت‌وگو میان صاحب‌نظران علوم انسانی ایران است. این تحقیق از نوع تحقیقات کمی، توصیفی، و تفسیری است و در آن از روش اسنادی و تکنیک تحلیل محتوا استفاده شده است. جمعیت آماری این پژوهش کلیه نقدها، گفت‌وگوها، نامه‌ها، و جوابیه‌های انتقادی منتشرشده در نشریات تخصصی علوم انسانی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ است. روش نمونه‌گیری هدف‌مند (تعمدی) است و حجم این نمونه برابر ۴۵ متن انتقادی یعنی حدود ۲۰۰ صفحه است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ویژگی‌های فرهنگ نقد و گفت‌وگوی صاحب‌نظران علوم انسانی بیش‌تر مخرب در مقابل سازنده، عقلانی ادراکی در مقابل احساسی، و منبع‌محور در مقابل پیام‌محور است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ نقد، نمونه‌گیری هدف‌مند، نقد ادراکی/ احساسی، نقد منبع‌محور/ پیام‌محور، نقد مخرب/ سازنده، عقلانیت ارتباطی، تحلیل محتوا، نقد علوم انسانی.

* استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) Ali@entezari.ir

** دانشجوی دکتری ارتباطات، دانشگاه تهران Atefeaghace@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۱۸

۱. مقدمه

نقد و گفت‌وگو جریانی پویا و هدف‌دار است که محور اصلی‌اش ارتقای آگاهی انسان است. رولان بارت معتقد است «تنها نوشتن یک اثر کار خلاقانه و آفرینش نیست، بلکه نقد آن اثر هم می‌تواند یک کار خلاقانه تلقی شود» (فاضلی، ۱۳۹۱: ۱۲). قضاوت‌های اخلاقی کنش‌گران در فعالیت‌های روزانه‌شان نیز می‌تواند نوعی از انتقاد به حساب آید. فعالیت اخلاقی نمونه‌ای از فعالیت انتقادی است (Boltanski, 2011: 3). به عبارتی، فرهنگ نقد و گفت‌وگو در واقع همان ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که نحوه و چهارچوب نقد و گفت‌وگو را مشخص می‌کنند و آن را جهت می‌دهند.

گفت‌وگو نیز برساخته‌ای بشری و دارای توان ایجاد دگرگونی در جهان واقعی است:

اگر قادر باشیم به شکل جمعی معناها را میان خود به اشتراک بگذاریم، تشریک مساعی صورت می‌گیرد و ما از این طریق ارتباط برقرار می‌کنیم و معناهای جدید می‌آفرینیم. مفهوم این قضیه این است که یک اندیشه مشترک شکل می‌گیرد که در آن هیچ‌یک از افراد کنار گذاشته نشده‌اند (بوهم، ۱۳۸۱: ۵۷).

از این رو، برای جامعه علمی و روشن‌فکری ایران حیاتی است که به نقد و گفت‌وگوی سازنده و عقلانی بپردازند. با این حال، فرقانی بیان می‌دارد «ما به‌طور کلی یا انتقاد نداریم یا اگر در جایی انتقاد می‌شود، این انتقاد به وادی تخریب و تخطئه و منکوب‌کردن یک مسئله کشیده شده است» (معتدنازاد و دیگران، ۱۳۶۹). برخی نیز همچون محمد مختاری، با تأکید بر مسئله نبود پذیرش و تحمل «دیگری»، آن را عارضه فرهنگی دیرینه‌ای در جامعه ایران می‌دانند که فاقد تجربه نظام‌یافته دموکراتیک است. در این جامعه کم‌تر کسی «دیگری» را قبول دارد و درحالی که بسیاری از اتحاد سخن می‌گویند مقصود اصلی پیروی دیگران از آنهاست. در چنین شرایطی است که اندیشمندان، به جای این‌که هدفشان از گفت‌وگو یا مطرح کردن انتقاد تکمیل و شکوفاکردن اندیشه‌ها باشد، به دنبال تخریب نقدشونده و مقابله با اندیشه‌های او هستند. حاصل چنین شرایطی نه رشد و بالندگی دانش است و نه آشنایی متفکران با اندیشه‌های یک‌دیگر و نه هم‌افزایی و تقویت رشته‌های علمی، چرا که هدف از چنین طرح نظرات و مباحث به کرسی‌نشاندن رأی و اندیشه خود و نادرست نشان دادن اندیشه دیگری است.

نشریات تخصصی، با انتشار نقدها و گفت‌وگوهای درگرفته بین اندیشمندان در حوزه علوم انسانی، سپهری را برای هم‌افزایی و تعاطی اندیشه فراهم آورده‌اند. از آن‌جا که آگاهی

از الگو و ویژگی‌های فرهنگ نقد و گفت‌وگو می‌تواند به شکوفایی اندیشه و تولید دانش یاری رساند در این مقاله به دنبال آشکار ساختن این ویژگی‌ها میان صاحب‌نظران علوم انسانی در ایران هستیم.

۲. بیان مسئله

اصولاً علم بدون وجود مفاهیم قابل طرح نیست. علوم انسانی نیز بدون وجود مفاهیم مجموعه‌ای از داده‌های خام است و بنابراین نمی‌تواند در تبیین پدیده‌ها به کار می‌آید. آفرینش دانش و نظریه‌پردازی علمی ضرورتی انکارناپذیر برای دستیابی به پیشرفت علمی و گامی مؤثر در بومی‌سازی علوم است. با این حال، سیر مفهوم‌پردازی و به تبع آن نظریه‌پردازی در این علم، به‌ویژه در حوزه علوم اجتماعی، با نوعی رکود مواجهه است و ما بیش‌تر مصرف‌کننده تولیدات دانشی جهان غرب هستیم. از مهم‌ترین پیش‌نیازهای مفهوم‌پردازی، و به تبع آن تولید دانش، گفت‌وگو و نقد اندیشه‌های تولیدشده در جامعه است. نتیجه نبود چنین فضایی، یا نداشتن ویژگی‌های لازم برای نقد و گفت‌وگوی سازنده، خودباختگی علمی و رکود تولید دانش و اندیشه است.

از طرفی بعضی از اندیشمندان سعی کرده‌اند فرهنگ نقد و گفت‌وگوی جامعه ایرانی را توضیح دهند. بسیاری، با توسل به مفاهیم غربی و بعضاً بدون پژوهشی روش‌مند، ویژگی‌هایی همچون مخرب‌بودن، فردمحوری، غیرسازنده، احساسی، و ... را برای فرهنگ نقد و گفت‌وگو در ایران برشمرده‌اند و علل آن را نیز مواردی همچون استبداد تاریخی در ایران، حکومت مطلقه، جامعه ناامن، رکود تاریخی، و از این قبیل می‌دانند. در عین حال، برخی نیز معتقدند که نمی‌توان فرهنگ و تاریخ ایرانی را مانع ترویج نقد و گفت‌وگو دانست چرا که در میراث فکری و سنت مکتوب ایرانی - اسلامی نقد منزلت والایی داشته است. اما تا زمانی که پژوهشی دقیق و علمی از فرهنگ نقد و گفت‌وگو در جامعه علمی و روشن‌فکری ایران انجام نشده باشد، نمی‌توان دلایل محکم و قاطعی را نیز برای آن برشمرد. در این بین، در جریان مطالعه نشریات تخصصی علوم انسانی با طیف متنوعی از شیوه‌های نقد و گفت‌وگو در فضای روشن‌فکری ایران مواجه شدیم و به این نتیجه رسیدیم که لازم است پژوهشی در این زمینه انجام شود. چرا که این سؤال همیشه برای ما مطرح بوده است که اگر جامعه ایرانی، آن‌طور که بسیاری از نظریه‌پردازان خارجی و بعضی نظریه‌پردازان داخلی بیان می‌کنند، استبدادزده و خودکامه است و فضای نقد و گفت‌وگوی

شکوفای در این جامعه وجود ندارد پس کوشش‌هایی که در دهه‌های گذشته برای شکوفایی گفت‌وگو و نقد در ایران صورت گرفت چه نتیجه‌ای داشته است؟ از طرفی اگر فضای نقد و گفت‌وگو در ایران بدون هیچ مانعی بوده است، چرا تولیدات دانشی ما، به‌خصوص در حوزه علوم انسانی، در مقایسه با دیگر کشورها کم است یا با رکود نسبی در این فضا مواجه هستیم. از این رو، مسئله اصلی ما نیز در این پژوهش کشف دقیق و عینی خصوصیات فرهنگ نقد و گفت‌وگو در میان اندیشمندان علوم انسانی است.

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت علمی این پژوهش بدیع و تازه بودن موضوع است، زیرا، بر اساس جست‌وجوهای انجام‌شده، گرچه اظهارنظرها و گمانه‌زنی‌های بسیاری در توصیف فرهنگ نقد و گفت‌وگو در ایران انجام شده است، اما پژوهشی مشخص که به‌طور دقیق و معین فرهنگ نقد منتقدان علوم انسانی را تحلیل کند انجام نگرفته است.

از بعد عملی نیز اهمیت این تحقیق به نقش و کارکرد نقد و گفت‌وگو بستگی دارد. گفت‌وگو از عملی‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه‌های آشنایی، مفاهیم، و درک اندیشه‌ها و نگرش‌های مختلف است و می‌تواند نقشی اساسی در حل مشکلات و رفع گرفتاری‌های مختلف در سطح ملی و بین‌المللی ایفا کند. ضرورت دیگر به نقش نقد و گفت‌وگو در تولید دانش باز می‌گردد چرا که در جهان امروز، کشورهایی که به دنبال توسعه پایدار هستند باید سهمی در تولید دانش جهانی داشته باشند. نهایتاً ضرورت شکل‌گیری نظریه‌ای بومی برای تبیین فرهنگ نقد و گفت‌وگو در جامعه روشن‌فکری ایران است که نگارندگان را به انجام پژوهش و نگارش مقاله در این زمینه رهنمون شده است.

۴. مبانی نظری

علی‌القاعده در مبانی نظری به طرح نظریات در باب تبیین فرهنگ نقد و تشریح مؤلفه‌های مرتبط با فرهنگ نقد و گفت‌وگو پرداخته می‌شود. لکن در ابتدا به تعریف مهم‌ترین مفاهیم این مقاله یعنی فرهنگ نقد و گفت‌وگو پرداخته خواهد شد. تلاش شده است در طرح نظریات به اهم رویکردهای نظری بومی و غیربومی، که در تبیین متغیر اصلی پژوهش به کار می‌آیند، توجه شود.

می‌توان فرهنگ نقد را این‌گونه تعریف کرد:

به ارزش‌ها، باورها، و معانی سازنده و حاکم بر رفتارهای ارزیابانه گروه یا فردی خاص در هنگام تفکیک سره از ناسره، درست از نادرست، زیبا از زشت، خوب از بد، کمال از نقصان، امر مادی یا معنوی، که متعلق به خود یا دیگری است اطلاق می‌شود. فرهنگ نقد همان چیزی است که معنای نقد به منزله نوعی کنش را در واقعیت تجربی آن در میان گروهی خاص تحقق می‌بخشد و روش‌ها و موقعیت‌ها زبان و ابزارهای نقد را تعیین و تعریف می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۶: ۴۷).

بنابراین، فرهنگ نقد از یک سو دربردارنده الگوهای فکری و رفتاری شامل ارزش‌ها و رویه‌ها و هنجارهای مرتبط با نقد است و از سوی دیگر شیوه‌های رایج برای تشخیص و اعلام سره از ناسره و درست از نادرست را شامل می‌شود. فرهنگ نقد نوع مواجهه ناقدان با موضوع، گزاره‌ها، و نویسندگان را نیز شامل می‌شود.

گفت‌وگو را می‌توان کاوش مشترک برای دستیابی به سهم، ارتباط، و امکان افزون‌تر انسانی دانست (راغفر و پایا، ۱۳۸۴: ۱۱). تلاش اصلی کسانی که در گفت‌وگو شرکت دارند این است که چیزی را با مشارکت یک‌دیگر خلق کنند (خانیک، ۱۳۸۳: ۱۲۹). بنابراین، گفت‌وگو به معنای کنش ارتباطی یعنی شناخت سؤال و یافتن پاسخ مناسب برای آن است. اما شرط مهم برای آغاز گفت‌وگو ایجاد درک لازم نسبت به عقیده دیگران است. هرچند گفت‌وگو در بستر نظری و مفهومی دیالکتیک، آن‌گونه که هگل بازگو می‌کند، قرار دارد، و در آن بستر گفت‌وگو بر اساس تقابل میان «بود» و «انکار بود» است، لکن در پارادایم دیگری می‌توان گفت‌وگو را به‌مثابه تعامل میان دو انسان تعریف کرد که از دو منظر متفاوت به یک امر واحد می‌نگرند.

کنش ارتباطی دارای شرایطی است، از جمله این‌که گوینده باید مفهومی معنادار و قابل فهم برای دیگری را به‌نحوی صادقانه و با گفتاری درست اظهار کند تا شنونده بتواند به آن سخنان آگاهی یابد. به‌طور خلاصه، این «چهار قاعده را می‌توان در فهمیدن بودن، صداقت، درست، و صدق» خلاصه کرد» (اباذری، ۱۳۸۹: ۷۲-۷۳). این شرایط زمینه‌ساز گفت‌وگویی بی‌قیدوبند است که در آن همه سخن‌گویان برابرند و فقط قدرت استدلال برتر است که نقشی اساسی در برتری هریک از طرفین دارد.

در مدل گفت‌وگویی هابرماس هر کنش‌گر منتقدی اجتماعی به شمار می‌رود. این، در واقع، وضعیت آرمانی گفت‌وگو در نظر هابرماس است؛ از منظر هابرماس وضعیت آرمانی گفتار «وضعیتی است که در آن اختلاف‌ها و برخوردها به نحو عقلانی و از طریق

ارتباطی کاملاً دور از اجبار حل شوند و در آن تنها نیروی استدلال بهتر می‌تواند غلبه پیدا کنند» (پیوزی، ۱۳۹۰: ۹۴). به عبارت دیگر، هابرماس همواره به طرق مختلف بر این اندیشه تأکید کرده است که گفت‌وگوی آزاد شرط ضروری هرگونه کلام و کنش عقلانی است. هابرماس، در مقام متفکری که اساساً رویکردی انتقادی به علم دارد، در مواجهه با مفهوم «حقیقت» نه رویکرد عینی گرایانه پوزیتیویستی (که حقیقت را گزاره مطابق با واقع و امر بیرون از ذهن می‌داند و به هیچ‌وجه ملتزم به مفهوم گفت‌وگو نیست) را می‌پذیرد و نه رویکرد نسبی‌گرای پست‌مدرنیستی (که موضوعیتی برای مفهوم حقیقت قائل نیست و در عمل امکان گفت‌وگو را سلب می‌کند) را می‌پسندد. او ایده خود را در میانه دو رویکرد فوق‌تر قرار می‌دهد.

هابرماس از نوع مواجهه سوژه - سوژه و «عقلانیت ارتباطی» حاصل از تعامل و گفت‌وگوی بین افراد سخن می‌گوید؛ «در واقع نوعی رویکرد معرفت‌شناسانه درخصوص معارف ناظر بر جامعه دارد که در بنیان خود هرمنوتیکی است و در بستر زبان و گفت‌وگوی بین‌الذاتانی و در چهارچوب کنش ارتباطی رخ می‌نماید» (خانیکی، ۱۳۸۷: ۷۴-۷۶).

به عبارت دیگر، عقلانیت ارتباطی «ذاتی» استفاده بشر از زبان است و هدف از فرایندهای درک و تفاهم رسیدن به توافقی است که با شرایط هم‌رأیی عقلانی درباره محتوای یک سخن تطبیق دارد. در اندیشه هابرماس «استفاده از زبان با هدف رسیدن به تفاهم شیوه اصلی استفاده از زبان است» (خانیکی، ۱۳۸۴: ۲۱).

مؤلفه‌های کلیدی کنش ارتباطی، که برای فلسفه سیاسی و نظریه انتقادی هابرماس اهمیت فراوانی دارند، عبارت‌اند از: کنش متقابل، برقراری روابط شخصی، توانایی سخن‌گفتن، تلاش برای تفاهم، کوشش برای توافق، و پیگیری عمل هماهنگ. مبنا و چهارچوبی که این مؤلفه‌ها را به هم پیوند می‌دهد ظرفیت همگانی عقلانیت است و به عبارت دقیق‌تر عقلانیت ارتباطی است که با استفاده از زبان عینیت پیدا می‌کند. در فلسفه سیاسی هابرماس مطرح می‌شود:

عقلانیت ارتباطی به معنای استفاده از زبان به همراه قدرت استدلال و بحث عقلانی و توان مجاب‌کردن است که نوعی هم‌رأیی هنجارین با تفاهم و توافق دارد و سوگیری (سمت‌گیری) آن معطوف به اجماع و وفاق مشارکتی و گفت‌وگوی عقلانی بر اساس هنجارها و اخلاق گفت‌وگویی (مبتنی بر تأمل و بازنگری انتقادی) است (منوچهری و نجاتی حسینی، ۱۳۸۵: ۱۴).

بر مبنای تعریف دیوید بوم (David Bohm) «گفت‌وگو ارتباط گفتاری یا عمل ارتباطی دو فرد، فرد با گروه، یا چندین فرد با یکدیگر به وسیله بیان یا نوشته است» (قاضی مرادی، ۱۳۹۱: ۱۵۱). این ارتباط از طریق جریان و انتقال ایده و معنا درون یا بین افراد، و در میان جمع، درباره موضوع مشترک است که به منظور مفاهمه و روشن‌گری درباره این موضوع در فضای مشترک رابطه انجام می‌شود. به اتکای همین تعریف می‌توان از گفت‌وگوی درونی با خود نیز سخن گفت (همان).

گفت‌وگو امکانی فراهم می‌کند که ما دریافت‌های خود درباره پدیده‌ها را با دیگران به اشتراک بگذاریم و از طریق مفاهمه و روشن‌گری به دریافت و ادراکی منسجم‌تر و متعالی‌تر برسیم. همین‌که وارد ارتباط گفت‌وگویانه با دیگران می‌شویم، حین مواجهه با نظرات متفاوت و متمایز دیگران، چه بسا نسبت به درستی تام نظرات خود تردید کنیم و به محدودیت‌های این نظرات آگاهی یابیم.

به نظر بوم گفت‌وگو، از آن‌جا که به اصل مشارکت متکی است، بازی برنده/برنده است از همین رو، اعتقاد دارد که گفت‌وگو چیزی بیش از یک مشارکت معمولی است؛ در گفت‌وگو به بازی علیه یکدیگر نمی‌پردازیم، بلکه با یکدیگر در این بازی شرکت می‌کنیم. هدف از اصل مشارکت در گفت‌وگو، بر مبنای نظر بوم، ایجاد معنای مشترک و نیز خلق معنا به صورت مشترک است. بوم می‌نویسد:

اگر بتوانیم همگی در معنای مشترکی شریک و سهم شویم پس با یکدیگر مشارکت کرده‌ایم. ما بهره‌ای از معنای مشترک داریم. ما با هم تشریک مساعی می‌کنیم، صحبت کرده، و معنای مشترک را خلق می‌کنیم. این مشارکتی است هم به معنای شرکت کردن در و هم به معنای شریک شدن در (قاضی مرادی، ۱۳۹۱: ۱۷۶).

اما اصل مشارکت محقق نمی‌شود مگر به اتکای پیش‌نیاز همتایی یا برابری. مشارکت در گفت‌وگو با همدانیشی همتایان امکان پذیر است و اصل مشارکت عامل اصلی ایجاد اعتماد بین گفت‌وگوکنندگان است (همان: ۱۷۷). به عبارتی، اصل مشارکت هر عضو را در ارتباط واقعی با کل جمع گفت‌وگوکنندگان قرار می‌دهد و به اثبات این نکته می‌انجامد که کل همواره چیزی بیش از مجموعه اجزایش است.

گوش‌دادن مؤلفه عملی اصل مشارکت در گفت‌وگو است؛ در میان دو عنصر «گفتن» و «گوش‌دادن» پیش‌برد موفقیت‌آمیز گفت‌وگو در درجه نخست به مهارت در گوش‌دادن بستگی دارد به این معنا که باید بکوشیم تا از منظر دیگری به گفته‌های او توجه کنیم.

بنابراین، ما در گوش‌دادن هم خودمان هستیم و هم دیگری. نتیجه این‌که ما در هنگام گوش‌دادن خود را از گوینده جدا احساس نمی‌کنیم. گوش‌دادن باید با برخی از عواطف و احساسات و مهم‌تر از همه هم‌دلی همراه باشد.

مطالعات گستردهٔ باختین (Bakhtin)، به‌خصوص در حوزهٔ گفت‌وگو و هنر و ادبیات، به نظریهٔ منطق گفت‌وگویی (دیالوگیسم) منجر می‌شود که باختین آن را با عنوان «امکانات بی‌انتهای ایجادشده به وسیلهٔ همهٔ رویه‌های گفتمانی (مکالمه‌ای/ نظری) یک فرهنگ» (open-ended possibilities generated by all discursive conversational/theoretical practices of a culture) تعریف می‌کند (Romney 2005: 5).

از دید باختین آگاهی، اندیشه، زندگی، و بیان انسانی همگی طبیعتی دیالوژیک دارند و حیاتشان در سازوکار گفت‌وگویی معنا می‌یابد. باختین در اثر مشهور خود، *مسائل نظریهٔ ادبی داستانیفلسفی*، می‌گوید:

تنها فرم مناسب برای تشریح زبانی (verbally expressing) صحیح زندگی انسان یک گفت‌وگویی بی‌انتهای (open-ended dialogue) است. زندگی در طبیعت خود دیالوژیک است؛ زیستن به معنای مشارکت در گفت‌وگو است: سؤال کردن، ملاحظه کردن، پاسخ‌دادن، موافقت کردن و ... در این گفت‌وگو یک فرد به صورت کامل و از طریق کل زندگی خود مشارکت می‌کند: با چشمان، لب‌ها، دست‌ها، روح، روان، و با کل بدن و کردار خود. وی همهٔ وجود خود را در گفتمان سرمایه‌گذاری می‌کند و این گفتمان دوطرفه به بافت دیالوژیک زندگی انسان وارد می‌شود (Bakhtin 1984: 293).

این چنین، باختین شیوهٔ تک‌منطقی بودن در گفت‌وگو را به چالش می‌کشد و، بیش از آن‌که در پی غلبهٔ معنایی خاص باشد، اندیشهٔ تکثر زبانی را تبلیغ می‌کند؛ او قائل به چندگونگی کلام است و از محدود شدن تنوع صداها بنا بر خواست قدرت ناخرسند است. بنابراین، با دفاع از تنوع زبانی سعی می‌کند گوناگونی صداها و آواها را در جامعه تقویت کند.

مطابق نظر باختین هر گفتار در رابطه با گفتارهای دیگر معنا پیدا می‌کند و به عقیدهٔ وی بر تمام مناسبات انسانی منطق گفت‌وگویی حاکم است؛ این منطق حاصل نمی‌شود جز از طریق ارتباط با دیگری؛ از این نظر، «دیگری» در تفکر باختین جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع، باختین معتقد است ما از طریق «دیگری» می‌توانیم خود را مشاهده کنیم. در فضای تک‌گویی فقط یک حقیقت وجود دارد و «دیگری» فقط شنونده است، در صورتی که از نظر باختین حقیقت در رابطهٔ گفت‌وگویی از طریق پرسش از «دیگری» است که زاده می‌شود.

پس از طرح مبانی نظری در این بخش به طرح دیدگاه‌های اندیشمندان ایرانی در رابطه با موضوع مورد مطالعه می‌پردازیم. محسنیان راد بین نقد ادراکی و احساسی تمایز قائل می‌شود و معتقد است «انتقاد در ایران امری احساسی است در حالی که بایستی امری ادراکی باشد» (معمدنزاد و دیگران، ۱۳۶۹: ۱۲). منتقد برای ارائه نقدی درست نیازمند دانش کافی و تخصص است. علاوه بر این بایستی اطلاعاتی دقیق و کامل و همه‌جانبه از موضوع داشته باشد تا در تحلیل و بررسی اطلاعات توانا گردد. در این شرایط است که منتقد می‌تواند نقدی ادراکی و عقلانی ارائه دهد چراکه نقد به منزله امری تخصصی نیازمند بررسی و کار فراوان است. اگر منتقد بدون داشتن درک صحیح و متخصصانه در مورد مطلبی اظهار نظر کند، از آنجا که هیچ ادله علمی و تخصصی پشتوانه چنین نقدی نیست، به ورطه احساسات می‌افتد.

محسنیان راد انتقاد را به دو دسته تقسیم می‌کند: انتقاد مخرب و انتقاد سازنده. در انتقاد مخرب، که نشئت گرفته از احساسات منتقد است، نقد حالت ابزاری دارد که چون پتک بر سر نقدشونده کوبیده می‌شود و معمولاً با تحقیر نقدشونده همراه است و به گونه‌ای طرح می‌شود که گویی فقط نظرات منتقد صحیح است. موضوع نقد به وضوح مشخص نیست و بیش تر حالت خرده‌گیری، عیب‌جویی، و شماتت دارد و امکان جبران هرگونه خطا را از بین می‌برد. در مقابل هدف نقد سازنده اصلاح و پیشرفت نقدشونده است. لذا نقد هم‌دلانه و موضوع نقد کاملاً مشخص است و حالت تحمیل عقاید را ندارد.

به اعتقاد محسنیان راد اگر همه این ویژگی‌ها را در مدل منبع معنا قرار دهیم می‌بینیم که «منتقد، در تجلی معنای اولیه، بایستی متکی بر رابطه عینیت بر ذهنیت باشد و نه برعکس و چنین چیزی نیازمند معرفت و دانش است» (رستگار، ۱۳۸۰: ۲۱). به این معنا که «منتقد بایستی به ارزش‌هایی که منافع دیگران را بر منافع شخصی ترجیح می‌دهد پای‌بند باشد و از هنجارهای اخلاقی پیروی کند» (رستگار، ۱۳۸۰: ۲۲).

علی اسدی نیز، با اشاره به ریشه‌های فرهنگی نقد، بر حوزه معرفت‌شناسی تأکید می‌کند: «یعنی از لحاظ ارتباطی و ذهنی جامعه بایستی مرحله 'منبع‌محور' را گذرانده باشد و به مرحله 'پیام‌محور' رسیده باشد» (اسدی، ۱۳۷۱: ۱۳).

در جامعه‌ای که در مرحله منبع‌محور به سر می‌برد انتقاد به معنای واقعی وجود ندارد و اگر هم نقدی مطرح شود معطوف به شخص است. در حالی که در مرحله پیام‌محور انتقاد از اشخاص نیست بلکه پیام و سخن نقدشونده نقد می‌شود. به اعتقاد اسدی ما از لحاظ

ارتباطی هنوز به مرحله پیام‌محور نرسیده‌ایم. در چنین حالتی است که انتقاد بی‌معناست. در این شرایط، از آن‌جا که شخص نقدشونده مدنظر است، فقط کسانی که در رده‌های پایین‌تر اقتدار قرار دارند نقد می‌شوند که البته در این فضا رویکرد انتقادی نیز وجود ندارد و بیش‌تر جنبه اعمال قدرت بر آن حاکم است.

۵. چهارچوب نظری - مفهومی

در این پژوهش «متغیرهای فرهنگ گفت‌وگو»، بر پایه بسط نظریات هابرماس و باختین و بوم، تعریف شده و «فرهنگ نقد»، بر پایه نظریات مهدی محسنیان راد و مرحوم علی اسدی، سنجیده شده‌اند.

همان‌طور که بیان شد، هابرماس معتقد است راه رسیدن به «تفاهم عقلانی» احیای فضای گفت‌وگویی است که مهم‌ترین ویژگی چنین فضاهایی فارغ‌بودن از حوزه اقتدار دولتی و عوامل زیرساختی است. در فضایی فارغ از منافع فردی و خشونت است که ارتباط و تفاهم میان مردم شکل می‌گیرد و از رهگذر چنین ارتباط مبتنی بر گفت‌وگویی است که استدلال عقلانی‌تر برتری می‌یابد. وجود چنین نظام اجتماعی، که در آن خرد ارتباطی و گفت‌وگوی آزاد حاکم است، لازمه حل منازعات و اختلافات بدون قهر و خشونت است. از نظر هابرماس عقلانیت ارتباطی مفهومی است که مبتنی بر زبان و گفت‌وگوی بین‌الذهانی است. گفت‌وگو از نظر هابرماس تلاشی برای بازسازی فقدان توافق است. چهار شرط فهمیدنی بودن، صداقت، درستی، و صدق زمینه‌ساز شرایط آرمانی گفت‌وگو است. در چنین گفت‌وگوی بی‌قیدوبندی است که همه شرکت‌کنندگان شرایط برابری دارند و فقط استدلال برتر باعث غلبه است. هابرماس این موقعیت را وضعیت آرمانی گفت‌وگو می‌نامد. در این پژوهش متغیر کیفیت گفت‌وگو (گفت‌وگوی مبنی بر اصول عقلانیت ارتباطی و موقعیت آرمانی گفت‌وگو) را از نظریه هابرماس استنباط می‌کنیم.

با توجه به مفاهیمی که باختین در خصوص چندصدایی و تکثر زبانی پرداخته است متغیر محتوای گفت‌وگو (دموکراتیک و غیردموکراتیک) را از نظریه باختین استنباط می‌کنیم. باختین «زبان» را معادل «گفتار» می‌داند و گفتار را گفت‌وگو و مکالمه می‌پندارد. باختین سخنی را معنادار می‌داند که در گفت‌وگو شکل گرفته باشد. بنابراین مطابق با منطق گفت‌وگویی باختین هر گفتار در ارتباط با گفتارهای دیگر معنا می‌یابد. این منطق گفت‌وگویی فقط از طریق ارتباط با دیگری حاصل می‌شود. به این ترتیب، باختین مخالف

شیوه تک‌منطقی بودن در گفت‌وگوست و معتقد به چندگونگی کلامی و تکثر زبانی است. باختین به دنبال تقویت تعدد صداها در جامعه است چرا که دگرگویی نقطه مقابل تک‌گویی و هسته دیالوگ است و گفت‌وگو، با پل زدن میان انسان‌ها، حقیقت را آشکار می‌سازد.

بوم نیز اصول نظری و مؤلفه‌های عملی را برای ارتباط گفت‌وگویانه در نظر می‌گیرد و بیش از همه بر اصل مشارکت تأکید می‌کند. به این معنا که گفت‌وگوکنندگان باید جمع خود را همچون کل یکپارچه‌ای ببینند که در ایجاد و حفظ آن با هم مشارکت می‌کنند. او معتقد است فقط در این جمع متکی بر اصل مشارکت است که هم‌اندیشی اتفاق می‌افتد. در این مشارکت است که هر فرد ایده و آرای خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارد تا با مشارکت هم معنای جدیدی خلق کنند. این مشارکت با مؤلفه عملی «گوش دادن به هم» امکان‌پذیر می‌شود. در این پژوهش، با توجه به نظریه بوم، متغیر نوع ارتباط در گفت‌وگو (ارتباط گفت‌وگویانه/ غیرگفت‌وگویانه) را برای سنجش فرهنگ گفت‌وگو در نظر گرفتیم.

متغیرهای کیفیت نقد (ادراکی - احساسی) و نوع نقد (مخرب - سازنده) از دیدگاه نظری محسنیان راد استخراج شده است. نقد، در نقد ادراکی، بر اساس اطلاعات تخصصی و دقیق علمی بیان می‌شود؛ منتقد اطلاعات دقیق و کامل و همه‌جانبه‌ای از موضوع دارد. در حالی که نقد احساسی ناشی از واکنش عاطفی منتقد است و بر اساس اطلاعات علمی از موضوع نیست. نقد مطرح شده ممکن است مخرب باشد و، با داشتن خصلت ابزارگونه، تحقیر فرد نقدشونده را دنبال کند. در این نوع نقد نشان‌گاه (target) انتقاد به‌وضوح مشخص نیست و بیش‌تر حالت خرده‌گیری و عیب‌جویی دارد. اما نقد ادراکی با هم‌دلی انجام می‌شود و هدف منتقد اصلاح و پیشرفت نقدشونده است. تفکیک دو نوع نقد «منبع‌محور یا پیام‌محور» نیز براساس دیدگاه علی اسدی انجام شده است. در نقد پیام‌محور سخن و ایده فرد نقد می‌شود در حالی که نقد منبع‌محور، که نشان از توسعه‌نیافتگی فرهنگ نقد جامعه است، به جای ایده خود فرد را هدف انتقاد قرار می‌دهد.

بر اساس مطالعات اکتشافی محقق روی نقدهای منتشرشده نیز دو نوع نقد را بر اساس گروه مرجع از هم تفکیک می‌کنیم: «نقد غربی‌مآب / نقد ایرانی». در نقدهای غربی‌مآب اندیشمندان سخنان خود را بر پایه نظریات و مفاهیم اندیشمندان غربی قرار می‌دهند و متون و سخنان آنان را مرجع علمی خود می‌دانند. اما در نقد ایرانی‌مآب گفت‌وگوکنندگان و منتقدان بیش‌تر به مفاهیم بومی و نظریه‌پردازان ایرانی اشاره دارند.

بنابراین با جمع‌بندی نظرات فوق چهار دسته کلی برای فرهنگ نقد و سه دسته کلی برای فرهنگ گفت‌وگو در نظر گرفتیم که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. دسته‌بندی‌های کلی فرهنگ نقد و فرهنگ گفت‌وگو

فرهنگ گفت‌وگو		فرهنگ نقد	
مبتنی بر عقلانیت ارتباطی / غیرعقلانیت ارتباطی	کیفیت گفت‌وگو	ادراکی / احساسی	کیفیت نقد
دموکراتیک / غیردموکراتیک	محتوای گفت‌وگو	مخرب / سازنده	نوع نقد
ارتباط گفت‌وگویانه / ارتباط ضد گفت‌وگویانه	نوع ارتباط در گفت‌وگو	منبع‌محور / پیام‌محور	محوریت نقد
		غربی‌مآب / ایرانی‌مآب	مرجعیت نقد

۶. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مطالعات اسنادی است که با شیوه توصیفی و با تکنیک تحلیل محتوای کمی به بررسی فرهنگ نقد و گفت‌وگو در میان صاحب‌نظران علوم انسانی می‌پردازد. بنا به تعریف،

«تحلیل محتوای کمی، آزمون نظام‌مند (سیستماتیک) و تکرارپذیر نمادهایی ارتباطی است که طی آن ارزش‌های عددی، بر اساس قوانین معتبر اندازه‌گیری، به متن نسبت داده می‌شود و سپس، با استفاده از روش‌های آماری، روابط بین آن ارزش‌ها تحلیل می‌شود. این عمل به منظور توصیف محتوای ارتباطات، استخراج نتیجه درباره معنی آن، یا بی‌بردن به بافت و زمینه ارتباط، هم در مرحله تولید و هم در مرحله مصرف، صورت می‌گیرد (رایف و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۵).

در این پژوهش نیز با استفاده از ابزار کدنامه ارزش‌های عددی، با توجه به تعریف واحدهای ثبت و شمارش، از متن استخراج گردید و با استفاده از روش‌های آماری نتایج حاصل بررسی شد.

۱.۶ جمعیت آماری، حجم نمونه، و روش نمونه‌گیری

جمعیت آماری این پژوهش‌نامه‌ها و جوییه‌های انتقادی و گفت‌وگوهای منتشرشده در نشریات تخصصی علوم انسانی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ است. در این پژوهش از روش

نمونه‌گیری هدف‌مند (تعمدی) بهره گرفته شده است که طی آن نمونه بر اساس آگاهی خود از جمعیت، ماهیت تحقیق، و به‌طور خلاصه بر اساس قضاوت شخصی و هدف‌های مطالعه انتخاب شده‌است. به منظور انتخاب مناسب نشریات، پس از مطالعه اکتشافی و با توجه به هدف این پژوهش، نشریاتی را به داوران علمی که در حوزه رسانه و فرهنگ نقد و گفت‌وگو صاحب‌نظر بوده‌اند پیشنهاد کرده‌ایم و با توجه به نظر و داوری و کارشناسی آن‌ها نشریات انتخاب شده‌اند. انتخاب این نشریات با توجه به فضای انتقادی و گفت‌وگویی حاکم بر آن‌ها و همچنین بر اساس میزان مطالب منتشرشده در آن‌ها با رویکرد نقد و گفت‌وگو بوده‌است. در این راستا به این نکته نیز توجه شده‌است که نشریاتی انتخاب شوند که صاحب‌نظران و اندیشمندان علوم انسانی بیش‌تر در فضای مطبوعاتی این نشریات به نقد و گفت‌وگو با هم می‌پردازند.

بر این اساس، تعدادی از نامه‌ها و جوابیه‌های انتقادی و گفت‌وگوهای منتشرشده در نشریه مهرنامه (از شماره ۱ تا شماره ۲۵) و دوازده متن از نشریه آیین و نشریات علمی-پژوهشی کتاب ماه فلسفه، فلسفه، کتاب ماه دین، و نقد ادبی را برای نمونه انتخاب و تحلیل محتوا کرده‌ایم. علت انتخاب نشریه مهرنامه در مقام نشریه اصلی این است که این نشریه در میان سایر نشریات مربوط دارای بیش‌ترین میزان از متون انتقادی در هر شماره است و صاحب‌نظران و نویسندگان متعدد در حوزه علوم انسانی دیدگاه‌های و نامه‌های انتقادی خود را در این نشریه مطرح می‌کنند. مطالب انتقادی سایر نشریات نیز به منظور تنوع محتوایی و ساختاری نمونه و با توجه به رویکرد انتقادی نشریه انتخاب شده‌اند. این نمونه متشکل از ۴۵ متن انتقادی و برابر با ۲۰۰ صفحه است.

۴۵ متن انتقادی و گفت‌وگویی = ۱۷۶۷ مورد

گفت‌وگوی منتقدانه

پاسخ به نقد

انتقاد

تصویر ۱. ساختار تنوع محتوایی و ساختاری نمونه تحقیق

۷. پرسش‌های تحقیق

۱.۷ پرسش اصلی تحقیق

۱. نقد و گفت‌وگوی صاحب‌نظران علوم انسانی ایران دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۲.۷ پرسش‌های فرعی

۱. نقد صاحب‌نظران علوم انسانی، با توجه به متغیرهای کیفیت و نوع و محوریت و مرجعیت نقد، دارای چه ویژگی‌هایی است؟
۲. گفت‌وگوی صاحب‌نظران علوم انسانی، با توجه به متغیرهای کیفیت و محتوا و نوع ارتباط در گفت‌وگو، دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۸. تعریف عملیاتی مقوله‌ها

در این پژوهش منظور از «فرهنگ نقد و گفت‌وگو» ارزش‌ها، باورها، و معانی مربوط به رفتارهای صاحب‌نظران و منتقدان علوم انسانی است که در نشریات تخصصی علوم انسانی به نقد و گفت‌وگو با یک‌دیگر می‌پردازند. برای سنجش فرهنگ نقد مقوله کیفیت نقد (ادراکی / احساسی)، مقوله نوع نقد (مخرب / غیرمخرب)، مقوله محوریت نقد (پیام‌محور / منبع‌محور)، و مقوله مرجع نقد (غربی‌مآب / ایرانی‌مآب) و برای سنجش فرهنگ گفت‌وگو مقوله کیفیت گفت‌وگو (مبتنی بر عقلانیت ارتباطی / به دور از اصول عقلانیت ارتباطی)، مقوله ارتباط در گفت‌وگو (ارتباط گفت‌وگویانه / ارتباط ضد گفت‌وگویانه)، و مقوله محتوای گفت‌وگو (دموکراتیک / غیردموکراتیک) را در نظر می‌گیریم.

جدول ۲. فهرست مقوله‌های کدگذاری شده

مقولات	ویژگی‌ها
کیفیت نقد	ادراکی / احساسی
نوع نقد	مخرب / سازنده
محوریت نقد	منبع‌محور / پیام‌محور
مرجع نقد	غربی / ایرانی
کیفیت گفت‌وگو	عقلانیت ارتباطی / عقلانیت غیرارتباطی
نوع ارتباط در گفت‌وگو	گفت‌وگویانه / ضد گفت‌وگویانه
محتوای گفت‌وگو	دموکراتیک / غیردموکراتیک

۱. کیفیت نقد (احساسی و عاطفی / ادراکی و عقلانی): در بررسی متون هر جا با نقدی مواجه شدیم که منتقد علمی و مستند سخن می‌گفت، و توان علمی لازم را برای بررسی موضوع مورد نقد داشت، نقد عقلانی در نظر گرفته شده و با کد «ع» ثبت شده است. در

مقابل هرکجا با نقدی مواجه شدیم که منتقد دانش کافی برای نقد نداشته یا مستدل سخن نمی‌گفته است، نقد احساسی در نظر گرفتیم و با کد «ا» ثبت کردیم.

۲. نوع نقد (مخرب/ سازنده): در بررسی متون اسنادی هرجا منتقد به تحقیر طرف مقابل پرداخته است، به دنبال عیب‌جویی و شماتت بوده، طعنه و کنایه زده، یا نقدشونده را دست انداخته یا تمسخر کرده است به‌مثابه نقد مخرب در نظر گرفته شده و با کد «م» ثبت شده است. در مقابل هرجا منتقد با هم‌دلی محترمانه اشکالات نقدشونده را برشمرده و، بدون این‌که اشتباهات نقدشونده را به رخ بکشد، راه‌حل ارائه کرده در مقام نقد سازنده در نظر گرفته شده است و با کد «س» ثبت شده است؛

۳. محوریت نقد (منبع‌محور/ پیام‌محور): در بررسی متون هرجا منتقد برای نقد به زندگی و امور شخصی نقدشونده اشاره کرده و مشکلات تحصیلی و سوابق شغلی و عقیدتی و ... نقدشونده را مطرح کرده است نقد منبع‌محور در نظر گرفته شده و با کد «ب» ثبت شده است. در مقابل هرجا منتقد فقط سخنان نقدشونده را مطرح کرده است نقد پیام‌محور در نظر گرفته شده و با کد «پ» ثبت شده است.

۴. مرجع نقد (غربی‌مآب/ ایرانی‌مآب): در بررسی متون اسنادی هرجا منتقد یا نقدشونده، در بیان ادعاهای خود، به مفاهیم و نظریه‌های اندیشمندان غربی ارجاع داده‌اند (به‌جز در مواردی که موضوع نقد یک اندیشمند غربی بوده است) نقد غربی‌مآب در نظر گرفته شده و به آن کد «غ-ر» داده شده است. در مقابل هرکجا منتقد یا نقدشونده به صاحب‌نظری ایرانی، فرهنگ ایرانی، و به‌طور کلی مفهومی بومی ارجاع داده است نقد ایرانی‌مآب در نظر گرفته شده و با کد «ا-ی» ثبت شده است.

۵. کیفیت گفت‌وگو (مبنی بر اصول عقلانیت ارتباطی/ به دور از اصول عقلانیت ارتباطی): در بررسی گفت‌وگوها هرجا رابطه‌ای برابر بین گفت‌وگوکنندگان برقرار شده است (بدین معنی که هیچ‌کدام از طرفین گفت‌وگو به سبب موقعیت اجتماعی، سیاسی، یا تحصیلی خود موضعی بالاتر نداشته و حق گفت‌وگوکنندگان برای گفت‌وگو برابر بوده است) و گفت‌وگوکنندگان جملات قابل‌فهم و درستی را به زبان آورده‌اند و محتوای سخنان مغلق نبوده است، و گفت‌وگوکنندگان اشاره نکرده‌اند که نمی‌توانند بنابر مصلحت سیاسی، اجتماعی، و ... نظرشان را اعلام کنند، عقلانیت ارتباطی در نظر گرفته شده است و برعکس این شرایط را عقلانیت غیرارتباطی در نظر گرفتیم. گفت‌وگوی مبنی بر اصول ارتباطی با کد «ا-ر» و گفت‌وگوی به دور از عقلانیت ارتباطی با کد «غ-ار» ثبت شده است.

۶. نوع ارتباط در گفت‌وگو (ارتباط گفت‌وگویانه / ارتباط ضدگفت‌وگویانه): در بررسی مجموع اسناد هر کجا گفت‌وگوکنندگان به سخن هم گوش دادند، بدین معنا که بدون قطع کردن حرف هم و با طرح پرسش‌های مناسب سعی در فهم سخن یک‌دیگر داشته و نهایتاً به نتیجه یا معنایی مشترک رسیده‌اند، ارتباط گفت‌وگویانه و در غیر این صورت ارتباط ضدگفت‌وگویانه در نظر گرفته شده است. ارتباط گفت‌وگویانه با کد «گ» و ارتباط ضدگفت‌وگویانه با کد «ض» ثبت شده است.

۷. محتوای گفت‌وگو (دموکراتیک / غیردموکراتیک): در بررسی متون هر کجا گفت‌وگوکنندگان به‌طور مساوی سخن گفته‌اند، و تقریباً همه شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو سهم مساوی در بیان عقایدشان داشته‌اند به‌طوری که صدای هیچ‌کس بر فضای گفت‌وگو غلبه نداشته است، گفت‌وگو دموکراتیک و در غیر این صورت غیردموکراتیک در نظر گرفته شده است. نقد دموکراتیک با کد «د» و نقد غیردموکراتیک با کد «غ» ثبت شده است.

۹. اعتبار و قابلیت اعتماد (reliability)

بیکر معتقد است منظور از اعتبار این است که آیا واقعاً همان چیزی را می‌سنجیم که قصد سنجش آن را داریم؟ در پژوهش حاضر برای تعیین اعتبار مقولات و دستورالعمل کدگذاری از اعتبار صوری استفاده شده است؛ یعنی انتخاب و تعریف مقولات و نحوه سنجش و کدگذاری‌ها بر اساس نظر متخصصان و با مشورت و داوری آن‌ها انجام شده است. «اعتماد به معنای میزان هم‌سانی نتایج سنجش مکرر است» (بیکر، ۱۳۹۰: ۱۴۲). میزان اعتماد بر اساس فرمول ذیل محاسبه شده است:

$$C.R = \frac{m.k}{N1 + N2 + \dots}$$

بر اساس همین شیوه از دو نفر که با تحلیل محتوا آشنا بودند درخواست کردیم براساس مقولات و کدهای تعریف‌شده چند متن را کدگذاری کنند. تعداد ۷۰ مورد توسط دو نفر کدگذاری شد که موارد مشترک دو کدگذار ۶۶ مورد بوده است. میزان پایایی بر اساس فرمول ذیل ۰/۹۴ است. بنابراین پایایی مقولات و شاخص‌ها در سطح بالا و قابل قبول است.

$$C.R = \frac{66 * 2}{70 + 70} = 0/94$$

۱.۱۰ یافته‌های توصیفی

در این قسمت، با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده، به پرسش‌های مطرح‌شده در این پژوهش پاسخ می‌گوییم.

سؤال ۱. فرهنگ نقد صاحب نظران علوم انسانی با توجه به متغیرهای کیفیت نقد، نوع نقد، محوریت نقد و مرجعیت نقد دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۱.۱۰ کیفیت نقد

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصدی مقوله کیفیت نقد بر حسب ویژگی‌های نقد ادراکی / نقد احساسی

درصد	فراوانی مطلق	
۱۲/۸	۲۲۶	نقد ادراکی
۶/۸	۱۲۱	نقد احساسی
۸۰/۴	۱۴۲۰	سایر
۱۰۰	۱۷۶۷	جمع

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد ۲۲۶ مورد نقد ادراکی کدگذاری شده‌است. به عبارتی ۱۲/۸ درصد موارد نقد ادراکی (عقلانی) است. ۱۲۱ مورد نیز نقد احساسی کدگذاری شده‌است، یعنی حدود ۶/۸ درصد موارد را نقد احساسی تشکیل می‌دهد. می‌توان گفت مجموعاً ۱۹/۶ درصد موارد کدگذاری شده به کیفیت نقد و ۸۰/۴ درصد به سایر مقولات اختصاص دارد. به عبارتی مقوله کیفیت نقد ۱۹/۶ درصد ویژگی‌های فرهنگ نقد را توضیح می‌دهد.

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصدی مقوله نوع نقد بر حسب ویژگی‌های نقد مخرب / نقد سازنده

درصد	فراوانی مطلق	
۱۳/۸	۲۴۴	نقد مخرب
۹/۷	۱۷۲	نقد سازنده
۷۶/۵	۱۳۵۱	سایر
۱۰۰	۱۷۶۷	جمع

بر اساس جدول ۴ مشاهده می‌کنیم ۲۴۴ مورد نقد مخرب کدگذاری شده‌است، به عبارتی ۱۳/۸ درصد نقد مخرب و تعداد ۱۷۲ مورد نقد سازنده کدگذاری شده‌است، یعنی

۹/۷ درصد آن‌ها نقد سازنده بوده است. می‌توان گفت ۴۱۶ مورد مربوط به نوع نقد، یعنی مجموعاً حدود ۲۳/۵ درصد موارد، بر اساس معیار نوع نقد و تعداد ۱۳۵۱ مورد سایر مقولات کدگذاری شده‌اند یعنی ۷۶/۵ درصد سایر مقولات هستند.

جدول ۵. توزیع فراوانی و درصدی مقوله محوری نقد برحسب ویژگی‌های نقد منبع‌محور/ نقد پیام‌محور

درصد	فراوانی مطلق	
۱۰/۴	۱۸۴	نقد منبع‌محور
۹/۸	۱۷۳	نقد پیام‌محور
۷۹/۸	۱۴۱۰	سایر
۱۰۰	۱۷۶۷	جمع

همان‌طور که در جدول ۵ نشان داده شده است تعداد ۱۸۴ مورد یعنی ۱۰/۴ درصد کل نقدها منبع‌محور و تعداد ۱۷۳ مورد یا به عبارتی ۹/۸ درصد نقدها پیام‌محور بوده است. می‌توان گفت مجموعاً تعداد ۳۵۷ مورد یعنی حدود ۲۰/۲ درصد مطالب انتقادی در مقوله محوری نقد و تعداد ۱۴۱۰ مورد یعنی ۷۹/۸ درصد در سایر مقولات قرار گرفته‌اند.

جدول ۶. توزیع فراوانی و درصدی مقوله مرجعیت نقد برحسب ویژگی‌های نقد ایرانی‌مآب/ نقد غربی‌مآب

درصد	فراوانی مطلق	
۱/۵	۲۴	نقد غربی‌مآب
۸/۰	۱۵	نقد ایرانی‌مآب
۹۷/۷	۱۷۲۸	سایر
۱۰۰	۱۷۶۷	جمع

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود تعداد ۲۴ مورد یعنی ۱/۵ درصد موارد نقد غربی‌مآب و تعداد ۱۵ مورد یعنی ۰/۸ درصد آن‌ها نقد ایرانی‌مآب بوده است. می‌توان گفت تعداد ۳۹ مورد یعنی حدود ۲/۲ درصد مطالب انتقادی بر اساس معیار مرجعیت نقد بوده است و تعداد ۱۷۲۸ مورد یعنی ۹۷/۷ درصد نقدها در سایر مقولات جای گرفته‌اند.

سؤال ۲. فرهنگ گفت‌وگوی صاحب‌نظران علوم انسانی، با توجه به متغیرهای کیفیت گفت‌وگو، محتوای گفت‌وگو، و نوع ارتباط در گفت‌وگو، دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۲.۱۰ کیفیت گفت و گو

جدول ۷. توزیع فراوانی و درصدی مقوله کیفیت گفت و گو
بر حسب گفت و گوی مبتنی بر عقلانیت ارتباطی / غیر ارتباطی

درصد	فراوانی مطلق	
۵/۴	۹۴	گفت و گوی مبتنی بر عقلانیت ارتباطی
۶/۲	۱۱۰	گفت و گوی مبتنی بر عقلانیت غیر ارتباطی
۸۸/۴	۱۵۶۳	سایر
۱۰۰	۱۷۶۷	جمع

همان طور که در جدول ۷ مشاهده می شود تعداد ۹۴ مورد یعنی ۵/۴ درصد گفت و گوها مبتنی بر عقلانیت ارتباطی و تعداد ۱۱۰ مورد یعنی ۶/۲ درصد دور از عقلانیت ارتباطی بوده است. می توان گفت تعداد ۲۰۴ مورد یعنی در مجموع ۱۱/۶ درصد گفت و گوها بر اساس معیار کیفیت گفت و گو و تعداد ۱۵۶۳ مورد یعنی ۸۸/۴ درصد بر اساس سایر معیارها کدگذاری شده اند.

۳.۱۰ نوع ارتباط در گفت و گو

جدول ۸. توزیع فراوانی و درصدی مقوله نوع ارتباط در
گفت و گو بر حسب ارتباط گفت و گویانه / ضد گفت و گویانه

درصد	فراوانی مطلق	
۵	۹۰	گفت و گوی مبتنی بر ارتباط گفت و گویانه
۴/۸	۸۳	گفت و گوی مبتنی بر ارتباط ضد گفت و گویانه
۹۰/۲	۱۵۹۴	سایر
۱۰۰	۱۷۶۷	جمع

همان طور که از جدول ۸ استنباط می شود تعداد ۹۰ مورد یعنی ۵ درصد موارد از نوع ارتباط گفت و گویانه و ۸۳ مورد یعنی ۴/۸ درصد از نوع ارتباط ضد گفت و گویانه بوده است. می توان گفت تعداد ۱۷۳ مورد یعنی ۹/۸ درصد از نوع ارتباط گفت و گویانه و تعداد ۱۵۹۴ مورد یعنی ۹۰/۲ درصد موارد سایر مقولات کدگذاری شده است.

۴.۱۰ محتوای گفت‌وگو

جدول ۹. توزیع فراوانی و درصدی مقوله محتوای گفت‌وگو برحسب گفت‌وگوی دموکراتیک/ غیردموکراتیک

درصد	فراوانی مطلق	
۵/۵	۹۸	گفت‌وگوی دموکراتیک
۷/۵	۱۳۳	گفت‌وگوی غیردموکراتیک
۷۷	۱۵۳۶	سایر
۱۰۰	۱۷۶۷	جمع

جدول ۹ نشان می‌دهد که تعداد ۹۸ مورد یعنی ۵/۵ درصد موارد گفت‌وگوی دموکراتیک و تعداد ۱۳۳ مورد یعنی ۷/۵ درصد نقدها غیردموکراتیک هستند. می‌توان گفت مجموعاً تعداد ۲۳۱ مورد یعنی ۱۳ درصد بر اساس مقوله محتوای گفت‌وگو و ۱۵۳۶ مورد یعنی ۷۷ درصد برحسب سایر مقولات نقد کدگذاری شده‌اند.

همان‌طور که در جدول ۱۰ نمایش داده شده است بیش‌ترین ویژگی فرهنگ نقد مربوط به مخرب‌بودن با ۱۳/۸ درصد است. اما جالب این است که ویژگی ادراکی‌بودن با ۱۲/۸ درصد در فاصله کمی از آن قرار دارد. ویژگی‌های نقدهای منبع‌محور با ۱۰/۴ درصد و پیام‌محور با ۹/۸ درصد با اختلافی کم در جایگاه‌های بعدی دارند. ضمناً نقدهای ایرانی‌مآب با ۱/۵ درصد و غربی‌مآب با ۰/۸ درصد کم‌ترین نقش را در توضیح فرهنگ نقد دارا هستند.

جدول ۱۰. رتبه‌بندی ویژگی‌های فرهنگ نقد برحسب فراوانی نسبی (با مبنا قراردادن کل موارد)

رتبه	مقولات	فراوانی مطلق	درصد
۱	مخرب	۲۴۴	۱۳/۸
۲	ادراکی	۲۲۶	۱۲/۸
۳	منبع‌محور	۱۸۴	۱۰/۴
۴	پیام‌محور	۱۷۳	۹/۸
۵	سازنده	۱۷۲	۹/۷
۶	احساسی	۱۲۱	۶/۸
۷	غربی‌مآب	۲۴	۱/۵
۸	ایرانی‌مآب	۱۵	۰/۸
	جمع	۱۱۵۹	۶۵/۶

جدول ۱۱. رتبه‌بندی ویژگی‌های فرهنگ گفت‌وگو برحسب فراوانی نسبی (با مبنا قرار دادن کل موارد)

رتبه	مقولات	فراوانی مطلق	درصد
۱	غیر دموکراتیک	۱۳۳	۷/۵
۲	دور از عقلانیت ارتباطی	۱۱۰	۶/۲
۳	دموکراتیک	۹۸	۵/۵
۴	مبنی بر عقلانیت ارتباطی	۹۴	۵/۴
۵	گفت‌وگویانه	۹۰	۵
۶	ضد گفت‌وگویانه	۸۳	۴/۸
	جمع	۶۰۸	۳۴/۴

همان‌طور که جدول ۱۱ نشان می‌دهد ویژگی غیردموکراتیک بودن با ۷/۵ درصد و دور از عقلانیت ارتباطی با ۶/۲ درصد اصلی‌ترین ویژگی‌های فرهنگ گفت‌وگویی هستند. اما با فاصله‌ی نه چندان زیاد ما شاهد ویژگی‌های دموکراتیک با ۵/۵ درصد و عقلانیت ارتباطی با ۵/۴ درصد هستیم. سپس نقدهای گفت‌وگویانه با ۵ درصد و ضدگفت‌وگویانه با ۴/۸ درصد در فاصله‌ی اندکی از هم قرار دارند.

جدول ۱۲. رتبه‌بندی ویژگی‌های فرهنگ نقد و گفت‌وگو برحسب فراوانی نسبی (با مبنا قرار دادن کل موارد)

رتبه	مقولات	فراوانی مطلق	درصد
۱	مخرب	۲۴۴	۱۳/۸
۲	عقلانی و ادراکی	۲۲۶	۱۲/۸
۳	منبع‌محور	۱۸۴	۱۰/۴
۴	پیام‌محور	۱۷۳	۹/۸
۵	سازنده	۱۷۲	۹/۷
۶	غیردموکراتیک	۱۳۳	۷/۵
۷	احساسی	۱۲۱	۶/۸
۸	دور از عقلانیت ارتباطی	۱۱۰	۶/۲
۹	دموکراتیک	۹۸	۵/۵
۱۰	مبنی بر عقلانیت ارتباطی	۹۴	۵/۴
۱۱	گفت‌وگویانه	۹۰	۵
۱۲	ضد گفت‌وگویانه	۸۳	۴/۸
۱۳	غربی‌مآب	۲۴	۱/۵
۱۴	ایرانی‌مآب	۱۵	۰/۸
	جمع	۱۷۶۷	۱۰۰

در یک جمع‌بندی کلی از ویژگی‌های فرهنگ نقد و گفت‌وگو در ایران، همان‌طور که جدول ۱۲ نشان می‌دهد، ویژگی‌های مخرب و عقلانی (ادراکی) به‌ترتیب بیش‌ترین اولویت را داشته‌اند. البته نقد ادراکی اختلاف اندکی با نقد مخرب دارد. پس از آن ویژگی‌های محوریت نقد با فاصله کمی از هم آمده‌اند. ویژگی بعدی مربوط به نقد سازنده و پس از آن نقد غیردموکراتیک است که این نیز یافته‌های مربوط به نقد مخرب و عقلانی را تأیید می‌کند. پس از آن ویژگی‌های دیگر نقد به فاصله اندکی از هم آمده‌اند و درنهایت نقد غربی‌مآب و ایرانی‌مآب با فراوانی کم قرار گرفته‌اند.

جدول ۱۳. رتبه‌بندی مقولات فرهنگ نقد و گفت‌وگو برحسب فراوانی نسبی (با مبنا قرار دادن کل موارد)

رتبه	مقولات	درصد
۱	نوع نقد	۲۳/۵
۲	محوریت نقد	۲۰/۲
۳	کیفیت نقد	۱۹/۶
۴	محتوای گفت‌وگو	۱۳
۵	نوع گفت‌وگو	۱۱/۶
۶	نوع ارتباط در گفت‌وگو	۹/۸
۷	مرجع نقد	۲/۲
	جمع	۱۰۰

همان‌طور که از نتایج جدول ۱۳ برمی‌آید مقولات نوع نقد با ۲۳/۵ درصد، محوریت نقد با ۲۰/۲ درصد، و کیفیت نقد با ۱۹/۶ درصد بیش‌ترین و مرجعیت نقد با ۲/۲ درصد و نوع ارتباط در گفت‌وگو با ۹/۸ درصد کم‌ترین نقش را در توضیح ویژگی‌های فرهنگ نقد و گفت‌وگو در میان صاحب‌نظران ایران داشته‌اند.

۱۱. تحلیل یافته‌ها

در این بخش ابتدا به تحلیل هریک از مقولات فرهنگ نقد و گفت‌وگو برحسب ویژگی‌های آن (نقد ادراکی/ نقد احساسی، نقد منبع‌محور/ نقد پیام‌محور، گفت‌وگوی دموکراتیک/ غیردموکراتیک، و ...) پرداخته‌ایم. سپس مقولات فرهنگ نقد و گفت‌وگو (محوریت نقد، کیفیت نقد، محتوای گفت‌وگو، نوع ارتباط در گفت‌وگو، و ...) را به‌طور جداگانه و براساس ویژگی‌های آن‌ها و برحسب بیش‌ترین فراوانی، که در واقع نشان‌دهنده

مهم‌ترین ویژگی‌ها بوده است، بررسی کرده‌ایم. در ادامه، به بررسی ویژگی‌های فرهنگ نقد و گفت‌وگو، به‌طور کلی و در ترکیب با هم، پرداخته‌ایم تا متوجه شویم فرهنگ نقد و گفت‌وگو در کل دارای چه ویژگی‌هایی است و چه اولویتی دارد. در آخر مقولات فرهنگ نقد و گفت‌وگو را برحسب این‌که هر کدام تا چه اندازه توانسته‌اند فضای اندیشه در ایران را توضیح دهند دسته‌بندی کرده‌ایم.

۱.۱۱ مقولات فرهنگ نقد

۱.۱.۱۱ مقوله کیفیت نقد برحسب ویژگی‌های نقد ادراکی / نقد احساسی

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از بررسی متون، برحسب مقوله کیفیت نقد، نقد ادراکی حدود دو برابر نقد احساسی در فضای نقد بین صاحب‌نظران علوم انسانی وجود دارد و این مطلب نشان‌دهنده این است که اغلب نقدها یا پاسخ به نقدها بر اساس استدلال و ذکر شواهد و بیان مصادیق صورت گرفته است. در چنین نقدی منتقد دارای تخصص و دانش کافی است و قدرت تحلیل دارد و در بیان نقد خود علمی و مستند سخن می‌گوید. این امر مانع از کج‌فهمی‌ها و سوءبرداشت‌ها می‌شود و به نقد وجه علمی و تخصصی می‌دهد. اما نکته‌ای که با آن مواجه شدیم، و ذیل مقولات دیگر کدگذاری شده است، این بود که بسیاری از این انتقادات و پاسخ به نقدها، به‌رغم بیان عقلانی و مبتنی بر اطلاعات تخصصی، با لحنی غیردموکراتیک، غیر ارتباطی، و حتی خشونت‌آمیز بیان شده بودند. این امر سبب کاهش تأثیر و نفوذ مستندات و ادله می‌شود. علاوه بر این داشتن رویکرد غیردموکراتیک و تأکید صرف بر صحت ایده‌ها و استنباط‌های خود به مانعی در برابر پذیرش استدلال‌های طرف مقابل بدل شده است. چیزی که خود را در نامه‌های انتقادی پی‌درپی میان دو صاحب‌نظر نشان می‌دهد. یافته‌های بعدی صحت این نتیجه را تأیید می‌کند. ضمناً باید اشاره کرد که مقوله کیفیت نقد حدود ۲۰ درصد از ویژگی‌های فرهنگ نقد در ایران را توضیح می‌دهد، لذا ویژگی‌های دیگر فرهنگ نقد با سایر مقولات قابل توضیح است.

۲.۱.۱۱ مقوله نوع نقد برحسب ویژگی‌های نقد سازنده - مخرب

نوع نقد با توجه به ویژگی‌های آن، یعنی نقد سازنده و مخرب، در این تحقیق بررسی شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد نقدها در ایران بیش‌تر مخرب بوده است. همان‌طور که قبلاً هم ذکر شد نقد مخرب نقدی است ابزاری و نشئت‌گرفته از احساسات است که

معمولاً با تحقیر طرف مقابل همراه است. چنین نقدی همراه با عیب‌جویی و شماتت است و، در حالی که نشان‌گاه انتقاد مشخص نیست، امکان هرگونه جبران خطایی را از بین می‌برد. به عبارت دیگر، صاحب‌نظران علوم انسانی در موضع منتقد از بالا به یک‌دیگر نگاه کرده و در کلام خود خشونت گفتاری داشته‌اند که به نوبه خود نشان از نگرش اقتدارطلبانه دارد. این خشونت گفتاری شامل طعنه و کنایه، تمسخر، دست‌انداختن و پایین‌تردانستن جایگاه و شأن طرف مقابل است. نکته قابل توجه این بود که چهره‌های معروف‌تر و سرشناس‌تر بیش‌تر دارای جنبه‌های منفی نقد مخرب بوده‌اند و مثلاً از ترفند تحقیر و تخریب طرف مقابل با ارجاع به سطح تحصیلات و سوابق شغلی وی استفاده می‌کرده‌اند. این امر بیش‌تر در مواردی دیده می‌شد که نقدشونده تحصیلات پایین‌تر، رزومه علمی ضعیف‌تر و به‌خصوص استادی جوان با سابقه علمی کم‌تر بود. قابل توجه است که مقوله نوع نقد حدود ۲۳ درصد ویژگی‌های فرهنگ نقد در ایران را توضیح می‌دهد.

۳.۱.۱۱ مقوله محوریت نقد برحسب ویژگی‌های منبع‌محور / پیام‌محور

یافته‌های پژوهش حاضر درخصوص مقوله محوریت نقد نشان می‌دهد با این‌که فرهنگ نقد در ایران بیش‌تر منبع‌محور است اما نقد پیام‌محور نیز با اختلاف بسیار کمی از آن در فضای نقد حضور دارد. نقد منبع‌محور نقد معطوف به شخص است، یعنی فرد، به جای نقد ایده‌ها و سخنان طرف مقابل، به نقد و عیب‌جویی طرف مقابل می‌پردازد. در چنین نقدی گاه منتقد با ارجاع به زندگی و امور شخصی طرف مقابل او را تخطئه می‌کند و به عیب‌جویی از او می‌پردازد. در حالی که نقد پیام‌محور ایده‌ها و افکار طرف مقابل را نقد می‌کند. از آن‌جا که اختلاف کمی بین این دو نقد است می‌توان نتیجه گرفت با این‌که صاحب‌نظران علوم انسانی هنگام نقد منبع پیام را نقد می‌کنند اما به پیام منتقل شده بی‌توجه نیستند و آن را نیز نقد کرده‌اند. این یافته نتایج مقولات پیشین را نیز تأیید می‌کند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که مقوله محوریت نقد حدود ۲۰ درصد ویژگی‌های فرهنگ نقد در ایران را توضیح می‌دهد. توجه به منبع پیام بیش‌تر در فضای سیاسی رواج دارد و رواج آن در فضای علمی حکایت از سیاسی‌بودن نهادهای آکادمیک دارد. بدیهی است رشد نقدهای پیام‌محور نشان از کمرنگ‌شدن تعلقات سیاسی در این حوزه دارد.

۴.۱.۱۱ مقوله مرجعیت نقد برحسب ویژگی‌های نقد غربی مآب / ایرانی مآب

درخصوص اختلاف میان ویژگی‌های مقوله مرجعیت نقد می‌توان گفت بررسی‌های

انجام شده نشان می‌دهد که در اکثر موارد نویسنده به نظریات اندیشمندان غربی یا مفاهیم برآمده از آن ارجاع داده است. با این حال، در فضای نقد بین اندیشمندان به نظریات و مفاهیم ایرانی نیز اشاره شده و به تولیدات دانش بومی نیز توجه شده است. لازم به ذکر است مقوله مرجعیت نقد حدود ۲ درصد از ویژگی‌های فرهنگ نقد ایران را توضیح می‌دهد. هرچند این احتمال وجود دارد که اگر محتوای نشریات علوم انسانی از حیث اعتباربخشی به مطالب، اعم از نقد و غیر نقد، مورد بررسی و مذاقه اختصاصی قرار گیرد این نسبت تغییر کند.

۲.۱۱ مقولات فرهنگ گفت‌وگو

۱.۲.۱۱ مقوله کیفیت گفت‌وگو برحسب ویژگی‌های گفت‌وگوی مبتنی بر عقلانیت ارتباطی/غیرارتباطی

از شاخصه‌های فرهنگ گفت‌وگو «کیفیت گفت‌وگو» است که نظر به آرای هابرماس با دو مقوله اصلی عقلانیت ارتباطی و غیرارتباطی ارزیابی می‌شود. واکاوی داده‌های پژوهش ما را به این نتیجه رساند که عقلانیت حاکم بر فضای گفت‌وگویی در ایران غیرارتباطی است. به معنای دیگر، ویژگی‌های عقلانیت ارتباطی (که از آن جمله می‌توان به صداقت و صراحت در گفت‌وگو، آزادی بیان، ارائه نظریات قابل فهم و بی‌ایهام، ارجحیت تمام‌عیار استدلال، ورود بدون محدودیت افراد مختلف به عرصه گفت‌وگو اشاره کرد) در فضای گفت‌وگویی فعلی غایب یا کم‌رنگ است، اما با توجه به نتایج تحقیق می‌توان ادعا کرد این فضا عاری از عقلانیت ارتباطی نیست؛ زیرا این تفاوت آن‌قدر زیاد نیست که بتواند دستیابی به عقلانیت ارتباطی را ناممکن سازد. در عین حال مقوله فرهنگ گفت‌وگو ۱۱/۶ درصد ویژگی‌های فرهنگ گفت‌وگو در ایران را توضیح می‌دهد.

۲.۲.۱۱ مقوله نوع ارتباط در گفت‌وگو برحسب ویژگی ارتباط گفت‌وگویانه/غیرگفت‌وگویانه

برحسب مقوله نوع ارتباط در گفت‌وگو می‌توان گفت بیش‌تر ارتباط گفت‌وگویانه بر فضای گفت‌وگویی حاکم بوده است، یعنی اندیشمندان علوم انسانی در هنگام گفت‌وگو با یک‌دیگر سعی کرده‌اند با مشارکت هم و با به‌اشتراک گذاشتن ایده‌هایشان به خلق معنای جدیدی دست یابند. نکته قابل تأمل این است که فاصله کم و سیالی بین دو رویکرد متضاد در فرهنگ گفت‌وگویی ما وجود دارد. این مقوله فقط ۹/۸ درصد ویژگی‌های فرهنگ گفت‌وگو در ایران را توضیح می‌دهد.

۳.۲.۱۱ مقوله محتوای گفت‌وگو برحسب ویژگی‌های گفت‌وگویی دموکراتیک / غیردموکراتیک

وقتی، برحسب مقوله محتوای گفت‌وگو، فرهنگ گفت‌وگویی در ایران بررسی می‌شود مشخص می‌گردد فضای گفت‌وگویی در ایران بیش‌تر تک‌صدایی است. در چنین گفت‌وگویی فرد نقدشونده فقط ایده خود را صحیح می‌داند و سخن طرف مقابل را خطا می‌پندارد و به دنبال شنیدن پاسخ از طرف گفت‌وگو نیست، بلکه بیش‌تر می‌خواهد ایده‌های خود را مطرح کند. گویا دیگران فقط برای شنیدن صحبت‌ها و نظرات او در گفت‌وگو شرکت می‌کنند. در چنین حالتی گفت‌وگو به سخن‌رانی یک‌طرفه بدل می‌شود و فقط صدای یک نفر بر فضای گفت‌وگویی غلبه دارد. البته این فضای گفت‌وگو عاری از ویژگی دموکراتیک بودن نیست، حتی با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان گفت میزان قابل‌توجهی از نشانه‌های گفت‌وگویی دموکراتیک بر فضای گفت‌وگویی ایران حاکم است. این مقوله در کل حدود ۱۳ درصد از ویژگی‌های فرهنگ گفت‌وگویی در ایران را توضیح می‌دهد.

۳.۱۱ ویژگی‌های فرهنگ نقد

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت بیش‌ترین ویژگی فرهنگ نقد مربوط به مخرب‌بودن آن است اما با فاصله کمی از این ویژگی شاهد وجود نقد ادراکی و عقلانی هستیم. این یافته نشان می‌دهد صاحب‌نظران علوم انسانی در ایران، ضمن داشتن توان علمی بالا، به موضوعات بحث تسلط دارند اما در موضع منتقد با تحقیر به نقد هم می‌پردازند. ویژگی‌های بعدی به‌ترتیب شامل نقد منبع‌محور و پیام‌محور است که فاصله خیلی کمی از هم دارند، لذا می‌توان نتیجه گرفت اندیشمندان ما در عین این‌که منبع پیام را نقد کرده‌اند به خود پیام هم توجه دارند. ویژگی بعدی سازنده‌بودن نقد، بدون در نظرگرفتن ویژگی‌های محوریت نقد، است که با فراوانی قابل توجه به نوعی اولویت نقد ادراکی را تأیید می‌کند. در ضمن فراوانی کم نقدهای ایرانی مآب و غربی مآب نشان می‌دهد این ویژگی‌ها در فضای نقد ایران کم‌رنگ است.

۴.۱۱ ویژگی‌های فرهنگ گفت‌وگو

درخصوص ویژگی‌های فرهنگ گفت‌وگو، با توجه به نتایج تحقیق، می‌توان نتیجه گرفت بیش‌ترین ویژگی فرهنگ گفت‌وگویی در ایران غیردموکراتیک‌بودن و دوربودن آن از

عقلانیت ارتباطی است. اما با فاصله‌ای نه‌چندان زیاد ما شاهد ویژگی‌های عقلانیت ارتباطی و دموکراتیک هستیم، سپس نقدهای گفت‌وگویانه و ضدگفت‌وگویانه با فاصله‌اندکی از هم و با اولویت نقد گفت‌وگویانه مشاهده می‌شوند. این یافته‌ها نشان می‌دهد اندیشمندان علوم انسانی در گفت‌وگوهای خود سعی در خلق معنای مشترک داشته‌اند، اما در عین حال سعی می‌کرده‌اند سهم بیش‌تری از فضای گفت‌وگویی را به خود اختصاص دهند و گاه صدای یک نفر بر صدای دیگران غلبه کرده و تک‌صدایی بر فضای گفت‌وگویی حاکم شده است. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد این ویژگی‌ها مطلق نیستند و ویژگی‌های چندصدایی و عقلانیت ارتباطی نیز به‌طور قابل‌توجهی در این فضا به چشم می‌خورند.

۵.۱۱ اولویت‌بندی ویژگی‌های فرهنگ نقد و گفت‌وگو در کل

در مجموع، بر مبنای این پژوهش می‌توان گفت اختلاف در صدی بین ویژگی‌های دوگانه مقولات کیفیت نقد (احساسی/عقلانی)، نوع نقد (نقد مخرب/سازنده)، و مرجعیت نقد (نقد غربی‌مآب/ ایرانی‌مآب) به نسبت باقی مقولات زیاد است. در حالی که این اختلاف بین ویژگی‌های دوگانه مقولات کیفیت گفت‌وگو (عقلانیت ارتباطی/ غیرارتباطی)، محتوای گفت‌وگو (دموکراتیک/ غیردموکراتیک)، محوریت نقد (نقد منبع‌محور/ پیام‌محور)، و نوع ارتباط در گفت‌وگو (ارتباط گفت‌وگویانه/ غیرگفت‌وگویانه) کم است. این فاصله کم بین ویژگی‌های دوگانه نشانه مثبتی است بدین معنا که فرهنگ نقد و گفت‌وگو در زمینه چهار مقوله اخیر راه زیادی تا گفت‌وگوی مبتنی بر عقلانیت ارتباطی، گفت‌وگوی دموکراتیک، نقد پیام‌محور، و ارتباط گفت‌وگویانه ندارد. رفع این فاصله تا برابری در صدها و نهایتاً سنگینی کفه انتقادات و گفت‌وگوها به نفع جنبه‌های سازنده و پویای فرهنگ نقد و گفت‌وگویی سهل‌تر است.

۶.۱۱ اولویت‌بندی مقولات فرهنگ نقد و گفت‌وگو

مقولات نوع نقد، محوریت نقد، و کیفیت نقد بیش‌ترین نقش را در توضیح ویژگی‌های فرهنگ نقد و گفت‌وگو در میان صاحب‌نظران ایران داشته‌اند. به عبارتی، شاخص‌های مذکور مؤلفه‌های بهتری برای ارزیابی فرهنگ نقد و گفت‌وگو هستند. در ضمن، مرجعیت نقد و نوع ارتباط در گفت‌وگو نیز کم‌ترین نقش را داشته‌اند. با توجه به سهم هریک از این

مقولات در توضیح فرهنگ نقد و گفت‌وگو می‌توان اولویت‌بندی‌های لازم را برای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در راستای اصلاح و شکوفایی فضای اندیشه انجام داد.

۱۲. نتیجه‌گیری

این پژوهش ما را به نتایجی رهنمون شد، از جمله این‌که صاحب‌نظران علوم انسانی ایران نسبت به مسائل بحث‌دارای تخصص‌بوده‌اند و از توان علمی و دانش کافی برخوردارند. این امر موجب می‌شود نقدها بیش‌تر جنبه علمی داشته باشند و مشخصاً مستدل باشند. فزونی چشم‌گیر نقد ادراکی جلوه‌ای از رشد و ارتقای فرهنگ نقد در جامعه علوم انسانی است. امری که شاید به واسطه تلقی سرخوردگی عمومی صاحب‌نظران در این حوزه از سوی خود ایشان انکار شده است. اما مسئله این است که این نقدهای علمی و عقلانی اکثراً با لحنی خشونت‌آمیز بیان شده‌اند که نشان از نقد احساسی دارد. در حالی که زمانی می‌توان انتظار داشت نقد عقلانی و ادراکی مؤثر واقع شود که با لحنی سازنده و دلسوزانه همراه شود. اگرچه بررسی سیر تاریخی کیفیت نقد از حیطة توجه و مسئولیت این پژوهش خارج است، اما نگاهی کوتاه به وضعیت فرهنگ نقد در یک قرن پیش ایران خالی از فایده نخواهد بود. در حالی که در یکی از درخشان‌ترین برهه‌های اندیشه، یعنی زمان مشروطه و کمی پیش از آن، اکثر انتقادات صورت‌گرفته در قالب مقاله‌های روزنامه‌ای، و اشعار اجتماعی، رنگ و بویی احساسی، تند، و پرخاش‌جویانه دارند، اکنون، و در زمانه‌ای که اندیشه با تنگناهای درونی و بیرونی مواجه است، نقد در بعد عقلانی و ادراکی جای خود را باز کرده است. از نتایج قابل‌توجه در این تحقیق پررنگ‌بودن ویژگی نقد مخرب نسبت به دیگر ویژگی‌های نقد است. نقد مخرب را می‌توان امتدادی از سنت دیرپای رویارویی اندیشه‌ها بر پایه تعصب فکری دانست. جریانی که از دیرباز موجبات رکود جریان تفکر را در این جامعه فراهم کرد. اما به برکت تحولات اخیر اجتماعی و نهادینه‌شدن دانش در جامعه از یک‌سو و بالندگی تدریجی نهادهای علمی شاهد پویایی اندیشه هستیم. نقد مخرب در بستری شکل می‌گیرد که ما حقیقت را واحد و معرفت‌بدان را فقط در دسترس خود فرض می‌کنیم، در حالی که «نقد سازنده» نقدی مبتنی بر هم‌فهمی است، نقدی که پیش‌فرض آن انباشتی‌بودن علم نوین، تکثر منابع معرفتی، و تنوع زوایای دید است. از چنین منظری است که کفه ترازوی نقد در ایران همچنان به سمت تخریب سنگینی می‌کند. رواج نقد سازنده مستلزم پل‌زدن به آبشخورهای فلسفی آزادمنشانه‌ای است که هم در سنت فکری

اندیشمندان اسلامی ریشه دارد و هم متأثر از نظریات دانشمندان مغرب‌زمین است که به گونه‌های متناسب و نامتناسب با وضعیت جامعه ایرانی تفصیل و تکوین یافته است.

جالب این است که هرچه منتقد سرشناس‌تر بوده خشونت گفتاری‌اش بیش‌تر و نقدش مخرب‌تر می‌شده است. این مسئله جای تأمل بسیار دارد؛ زیرا کسانی که خود سردمدار مباحث و اندیشه‌های علمی شناخته می‌شوند، به جای کمک به تقویت و ارتقای فرهنگ نقد و گفت‌وگو و زمینه‌سازی برای تضارب آرا و اندیشه‌آزمایی، نقد را به فضایی برای نزاع شخصی و تک‌صدایی تبدیل کرده‌اند.

همچنین از اختلاف کم نقدهای منبع‌محور و پیام‌محور می‌توان نتیجه گرفت که صاحب‌نظران علوم انسانی در همان حال که منبع پیام را مورد نقد قرار می‌دادند به محتوای پیام نیز توجه داشته و، با استدلال علمی و نقد ادراکی و عقلانی، پیام و نقد و گفت‌وگو درباره آن‌را بررسی کرده‌اند. این که هردو این ویژگی‌ها همراه با هم و در فاصله کم از هم قرار دارند فرصتی است تا با تکیه به نقد عقلانی و پیام‌محور فضای فرهنگ نقد را سازنده‌تر سازیم. از طرفی چون احساسی‌بودن و به‌خصوص مخرب‌بودن از ویژگی‌های اصلی فرهنگ نقد است امکان این هست که در صورت توجه‌نکردن منتقدان به این نکته و نبود برنامه‌ریزی صحیح علمی این ویژگی تقویت شود.

می‌دانیم اصولاً علم بدون وجود مفاهیم قابل طرح نیست. با این حال، سیر مفهوم‌پردازی و تبع آن نظریه‌پردازی، به‌ویژه در حوزه علوم اجتماعی، با نوعی رکود مواجهه است. از مهم‌ترین پیش‌نیازهای مفهوم‌پردازی، و به تبع آن تولید دانش، گفت‌وگو و نقد اندیشه‌های تولیدشده در یک جامعه است. اگر صاحب‌نظران، در فضای نقد و گفت‌وگوی سازنده، به مفاهیم و نظریه‌های بومی ارجاع دهند و نظریه‌هایی که برخاسته از اندیشه صاحب‌نظران ایرانی است بیش‌تر مرجع نقدها و گفت‌وگوها قرارگیرد، تضارب آرا و اندیشه‌ها درخصوص این مفاهیم و نظریه‌های بومی شکل می‌گیرد، اشکالات آن رفع می‌شود، و درکل پخته‌تر می‌شود. سپس این مفاهیم در جامعه علمی و به تبع آن در ذهن و اندیشه مردم نهادینه می‌گردد.

ویژگی‌های فرهنگ گفت‌وگویی در بین صاحب‌نظران علوم انسانی نیز نشان از وجود توأمان ویژگی‌های مثبت و منفی دارد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد فضای گفت‌وگویی غیردموکراتیک و مبتنی بر عقلانیت غیرارتباطی است، اما در عین حال روابط گفت‌وگویانه بر روابط غیرگفت‌وگویانه پیشی می‌گیرد. هرچند در این فضا، در اکثر مواقع، چندصدایی و سهم مساوی در ابراز عقیده، فضای آزاد، و موضع برابر برای همه گفت‌وگوکنندگان فراهم

نبوده‌است در عین حال مواقعی نیز چندصدایی بر تک‌صدایی غلبه یافته و امکان گفت‌وگوی آزاد و برابر فراهم شده است. از طرفی گفت‌وگوکنندگان سعی می‌کنند ایده خود را با جمع به اشتراک بگذارند تا معنای جدیدی خلق شود، اما در این بین هرکس سعی می‌کند صدایش از باقی افراد بلندتر باشد و دیگران را به سکوت بکشاند. این نتایج ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که وجود ویژگی‌های مثبت و منفی، در کنار هم، فرصت‌ها و تهدیدهای فراوانی برای فرهنگ نقد و گفت‌وگوی ایران به همراه دارد.

از طرفی به نظر می‌رسد فاصله قابل توجهی میان نظر و عمل صاحب‌نظران علوم انسانی وجود دارد. به عبارتی این صاحب‌نظران در نظر به اهمیت و نقش ویژگی‌های مثبت نقد و گفت‌وگو پی برده‌اند اما در عمل چندان به آن پای‌بند نیستند. به این معنا که هرچند منتقدان طرف مقابل را به نقد سازنده توصیه می‌کرده اما خود به آن پای‌بند نبوده‌اند. نکته دیگری که در خلال بررسی‌ها مکرراً مدنظر قرار گرفته است، و جامعه روشن‌فکری و اندیشمندان علوم انسانی بایستی به آن توجه ویژه نشان دهند، این است که بسیاری از نقدهای منتشرشده ناظر بر مسائل شخصی و اختلافات میان افراد است. این امر سبب شده نامه‌های انتقادی متعددی میان صاحب‌نظران علوم انسانی و در پاسخ به یک‌دیگر ردوبدل گردد. درحالی که در آن‌ها ایده و اندیشه‌ای وجود ندارد که نقد و ارزیابی شود، بلکه فقط به سابقه تحصیلی یا شغلی فرد مقابل اشاره شده است. هدف از چنین نقدهایی فقط فراهم کردن ادله برای به‌رخ‌کشیدن بی‌سوادی و ناآگاهی طرف مقابل است تا ایده او نادرست شمرده شود. مورد دیگر این که برای تخریب «دیگری» به غلط‌های املائی و بعضاً دستوری اشاره شده است. هرچند صحت فرم نقد نیز دارای اهمیت است، اما آنچه اهمیت دارد محتوای ایده و نظر است، چه بسا غلط‌های دستوری و املائی ناشی از اشتباهات چاپی نشریه باشد.

در مجموع، با در نظر گرفتن تمامی ویژگی‌های فرهنگ نقد و گفت‌وگو، به این نکته پی می‌بریم که برخلاف این که بیش‌ترین درصد را نقد مخرب به خود اختصاص داده است اما نقدهای عقلانی، پیام‌محور، و سازنده و همچنین گفت‌وگوی دموکراتیک و روابط گفت‌وگویانه، که در مرتبه‌های بعدی قرار دارند، با ویژگی‌های منفی نقد و گفت‌وگو فاصله چندان ندارند و می‌توان این شکاف را پر کرد. به عبارت دیگر، صاحب‌نظران علوم انسانی مؤلفه‌های مثبت نقد و گفت‌وگو را، که منجر به شکوفایی فضای اندیشه است، آموخته‌اند. اما مشکل از آن‌جاست که این ویژگی‌های مثبت همچنان همراه و در کنار ویژگی‌های منفی فضای گفت‌وگویی و منتقدانه را آلوده می‌کند و گاهی چنان این فضا سیاه می‌شود که

ویژگی‌های مثبت زیر بار سنگین ناشی از ویژگی‌های منفی نقد و گفت‌وگو مدفون می‌گردد. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که فضای اندیشه و فرهنگ نقد و گفت‌وگو در بین اندیشمندان ایرانی ظرفیت و توان آن را دارد، که با اتکا به ویژگی‌های مثبتی که در بطن این فضا حضور دارند، به رشد و بالندگی برسد و شکوفاتر شود.

منابع

- اباذری، یوسف (۱۳۸۹). *خرد جامعه‌شناسی*، تهران: طرح نو.
- اسدی، علی (۱۳۷۱). *افکار عمومی و ارتباطات*، تهران: سروش.
- بوهم، دیوید (۱۳۸۱). *درباره دیالوگ*، ترجمه محمدعلی حسین‌نژاد، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها.
- بیکر، تزال (۱۳۹۰). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ ناییب، تهران: نی.
- پیوزی، مایکل (۱۳۹۰). *یورگن هابرماس*، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.
- خانیک، هادی (۱۳۸۳). «جهان شبکه‌ای و آینده رسانه‌ها؛ نگاهی از منظر مطالعات فرهنگی»، *خردنامه همشهری*، ش ۳۵.
- خانیک، هادی (۱۳۸۷). *در جهان گفت‌وگو*، تهران: هرمس.
- راغفر، حسین و علی پایا (۱۳۸۴). «آینده‌اندیشی و مطالعات فرهنگی»، *مجموعه مقالات دومین کارگاه آینده‌اندیشی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی*، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- رایف، دانیل، استفن لیس، و فریدریک جی. فیکو (۱۳۹۱). *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای*، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران: سروش.
- رستگار، میلاد (۱۳۸۰). «تصویری ماندنی از دوره استثنایی تاریخ مطبوعات ایران: گفت و گویی با دکتر محسنیان راد به بهانه پژوهش و صنعت انتقاد در مطبوعات ایران»، *رسانه*، ش ۴۶.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۶). «فرهنگ نقد و نقادی چپستی و چرایی و چگونگی نقد و نقادی در اجتماعات علمی»، *آیین*، ش ۱۰.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱). *مردم‌نگاری هنر: جستارهای جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی در زمینه ادبیات، شعر، نقاشی، فیلم، موسیقی، عکاسی و هنر*، تهران: فخرآکیا.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۹۱). *شوق گفت‌وگو*، تهران: دات.
- معتد نژاد، کاظم، مهدی محسنیان راد، علی اسدی، و محمد مهدی فرقانی (۱۳۶۹). «میزگرد مشکلات انتقاد در مطبوعات»، *رسانه*، ش ۳.
- منوچهری، عباس و سید محمود نجاتی حسینی (۱۳۸۵). «درآمدی بر نظریه شهروندی گفت‌وگویی در فلسفه سیاسی هابرماس»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۹.

- Bakhtin, M. M. (1984). *Problems of Dostoevsky's Poetics*, translated and edited by Caryl Emerson, Minneapolis: University of Minnesota.
- Boltanski, Luc (2011). *On Critique: A Sociology of Emancipation*. Cambridge, UK: Polity.
- Romney, P. (2005). 'The Art of Dialogue', *Civic Dialogue, Arts and Culture: Findings from Animating Democracy*, Washington DC: Americans for the Arts.

